فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی،سال یکم، شماره 2، زمستان 1391 ، پیاپی 2
صفحات 14-1

نقش نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی ناحیه صنعتی خورآباد، استان قم)

مجتبی قدیری معصوم*، استاد دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی توسعه روستایی، دانشگاه تهران
هادی قراگوزلو، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی

دریافت مقاله: 1390/12/21 پذیرش نهایی: 1391/5/28

چکیده
از جمله راهبردهای توسعه سکونتگاه‌های روستایی صنعتی کردن آنها در قالب ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی در جوار این مناطق است. کشور ما نیز از این قائده مستثنی نبوده بطوری که تا پایان سال 1389 تعداد نواحی صنعتی مصوب برابر با 335 ناحیه بوده است که این روند منجر به تغییرات عمده‌ای در مناطق روستایی شده است. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی– تحلیلی به بررسی نقش ناحیه صنعتی خورآباد در توسعه سکونتگاه‌های روستایی پیرامون آن پرداخته است. جامعه آماری در این تحقیق کارکنان ناحیه صنعتی خورآباد در استان قم هستند که در مناطق روستایی اقامت دارند، لذا 50 نفر از مجموعه 139 نفر شاغل در این ناحیه صنعتی شرط مورد نظر را دارا بوده که حجم نمونه را در این تحقیق تشکیل دادند. برای تعیین شاخص‌ها نیز از منابع معتبر داخلی و خارجی استفاده شده است، تحلیل یافته‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون ناپارامتری ویلکاکسون و مک نمار صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از تفاوت معنادار در برخی از شاخص‌ها از جمله افزایش درآمد، تنوع شغلی، امنیت و رضایت شغلی، بهبود تغذیه و کیفیت زندگی است، هرچند در برخی دیگر از شاخص‌ها همچون مشارکت، مالکیت مسکن و تمایل به ماندگاری در روستا تفاوت معناداری در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی مشاهده نگردید.

واژه‌های کلیدی: ناحیه صنعتی، توسعه روستایی، توسعه اقتصادی، خورآباد.

*نویسنده مسئول: 09123191346 E-mail:mghadiri@ut.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

1) بیان مسئله

توسعه روستایی به عنوان مفهومی چند بخشی دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. هریک از این ابعاد با توجه به تأثیرپذیری که از محیط روستایی دارند، دارای اهمیت قابل توجهی می‌باشند که موجب شده بخش روستایی همواره مورد توجه برنامه‌ریزان باشد. به هر صورت روستاها در طول زمان با مسائل و مشکلاتی روبرو بودند که از جمله مباحث مهاجرت، فقر، نابرابری و تبعیضات است که همگی از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته‌اند(قدیری معصوم، 1389: 102). در این بین، گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه‌ی آینده مورد بحث قرار داده و معتقدند صنعتی شدن روستا آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر روستایی و یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال پایدار است (افتخاری، 1381: 3).

صنعتی سازی روستاها منجر به تحول در اقتصاد روستایی گردیدهو با جذب قسمتی از جمعیت روستا تا حدی مشکل بیکاری را مرتفع نموده (Sundar,2009:29) وهمچنین با برقراری پیوند با کشاورزی موجبات رشد آن را فراهم می‌آورد (Cheng,1989:45)، به همین دلیل صنعتی شدن روستا جایگاه مهمی در راهبردها و سیاست‌های کشورهای در حال توسعه دارد(Dutta, 2004:334). لذا این کشورها راهبرد صنعتی سازی روستاها را از اواسط دهه‌ی 1970 در برنامه‌های توسعه خود گنجاندند(رضوانی، 1389: 6). سیاست صنعتی شدن در این کشورها عموماً با هدف افزایش تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی دنبال می‌شود. این اهداف در صنعتی شدن روستا با راهبردهای توسعه روستایی در جهت ایجاد کانون-های رشد صنعتی در نواحی روستایی آمیخته شده است(Wang, 2001:16).

استراتژی غالب دهه‌های اخیر در کشور ما، تمرکز برنامه‌های توسعه روستایی بر محور صنعتی کردن مناطق روستایی بوده است (طاهرخانی، 1380: 7). در همین راستاتا سال 1389 تعداد نواحی مصوب برابر با 335 ناحیهو تعداد نواحی در حال بهره‌برداری 207 ناحیه بوده است که در این نواحی 1479 واحد صنعتی به بهره برداری رسیده و 24239 نفر در این واحدها اشتغال یافته‌اند(رضوانی، 1390:212).

بر این اساس بررسی و تحلیل اثرات نواحی صنعتی بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی کشور حائز اهمیت فراوان می-باشد.در این راستا پژوهش حاضر درصدد بررسی ابعاد و آثار صنعتی شدن روستاها و تعیین جایگاه نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعیآنهاست، بدین منظور ناحیه صنعتی خورآباد واقع در استان قم به عنوان نمونه موردی انتخاب گردیده است.

2) مبانی نظری تحقیق

پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منظور نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی به خصوص در نواحی روستایی روش‌های مختلفی را تجربه نمودند که این روش‌ها تحت عنوان راهبردهای توسعه شناخته می‌شوند. یکی از راهبردهای مهم توسعه، صنعتی سازی است که در دهه‌های 50، 60 و 70 میلادی راهبرد غالب توسعه محسوب می‌شد(مطیعی لنگرودی، 1385: 147).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

استقرار صنایع در روستا قادر است فرصت‌های شغلی و درآمدی بیشتر ایجاد کند و از این رو بستر مناسبی برای توسعه روستایی به شمار می آید(حاجی‌نژاد و عسگری، 1385: 20).استقرار صنعت و نواحی صنعتی در محیط روستاها می‌تواند با تقویت بنیان‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی، جذب نیروی مازاد کار و بسیج سرمایه اندک به بهره‌برداری از منابع و مهارت‌های محلی انجامیده و با شکستن دور باطل فقر، از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کند (صحراییان، 1380: 43؛ مشیری، 1386: 182). نواحی صنعتی موجب افزایش درآمد روستاییانو کاهش اختلاف درآمد بین شهرنشینان و روستاییان گردیده(Sundar,2009:28-29) و میان آنها پیوند ایجاد می‌کند، همچنین صنایع روستایی به تحکیم الگوی عدم تمرکز صنایع می‌انجامد(Walker, 2007:3).

با توجه به رشد بالای جمعیت و محدودیت زمین کشاورزی،صنایع روستایی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نسبت قابل قبولی از نیروی کار را جذب نموده و آهنگ رشد نرخ بیکاری را کاهش دهدو زمینه را برای توسعه روستاها هموارتر سازد (Maran, 2007:86). این امرعلاوه بر افزایش نرخ اشتغال،به عنوان یکی از بخش‌های غیر کشاورزی منجر به افزایش درآمدهای غیر محلی گردیده و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در مدرنیزاسیون بخش کشاورزی نقش عمده‌ای دارد(Das, 2009:1).

چین نمونه‌ای از کشورهای موفق در زمینه دستیابی به توسعه روستایی از طریق صنعتی سازی است و صنایع مهم-ترین منبع درآمد روستاییان است. کومار در تحقیقات خود در چین، ضمن تأکید بر نقش صنایع در توسعه روستایی معتقد است کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن برای دستیابی به توسعه پایدار روستاها کافی نمی‌باشد. وی بیان می‌دارد که گسترش صنایع در روستاهای چین نقش مؤثری در ریشه کن کردن فقر داشته و موجب بالا رفتن درآمد روستاییان و کاهش مهاجرت آنها شده است، همچنین بهبود شرایط بهداشتی و آموزشی را نیز، از دیگر تأثیرات صنایع در روستاها می‌داند(Kumar, 2005:9).

داس و همکاران با بررسی الگوی صنعتی شدن در شمال شرق هند معتقد هستند گسترش صنایع توانسته است فقر روستایی را کاهش دهد و منجر به معیشت پایدار روستاییان گردد. همچنین معتقدند کاهش مهاجرت روستاییان و افزایش رفاه از دیگر پیامدهای صنایع است. اگر صنایع کوچک و صنایع خانگی در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی منطقه باشد، می‌تواند نقش مؤثرتری در توسعه آنها ایفا نماید (Das et al., 2011:164).

در یک تقسیم‌بندی کلی ایجاد اشتغال و افزایش درآمد، کاهش مهاجرت‌های روستایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای با استفاده از منابع محلی و رونق کشاورزی، گسترش صادرات، افزایش رفاه روستایی(مسکن، بهداشت، پس‌انداز) و تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی بادوام را می‌توان از مهم‌ترین اثرات گسترش صنعت در روستاها بیان کرد(طاهرخانی، 1380: 44).

بر این اساس باید اذعان داشت که امروزه صنعت به عنوان اصلی‌ترین ابزار در توسعه و به خصوص توسعه مناطق عقب مانده نقش محوری را به خود اختصاص داده است. این نقش شاید برخاسته از این واقعیت است که عوامل تولید در بخش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

صنعت در مقایسه با کشاورزی قابلیت جابجایی و انعطاف‌پذیری بیشتری با شرایط، اوضاع و احوال محیطی – منطقه‌ای و ملی دارد (مطیعی لنگرودی، 1385: 150).

3) روش‌ها و فنون تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی – تحلیلی می‌باشد، روش جمع‌آوری اطلاعات نیز مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای - شیوه تحلیل محتوا - و میدانی با استفاده از روش پیمایشی و تکمیل پرسشنامه بوده است. هدف نگارندگان در این پژوهش تعیین نقش نواحی صنعتی در توسعه سکونتگاه‌های روستایی بوده است و برای تعیین شاخص‌های مورد بررسی، از کتب و منابع معتبر استفاده شده است. جامعه آماری کارکنان ناحیه صنعتی خورآباد هستند که در مناطق روستایی اقامت دارند، لذا 50 نفر از مجموع 139 نفر شاغل در این ناحیه صنعتی شرط مورد نظر را دارا بوده که حجم نمونه را در این تحقیق تشکیل دادند. در انتها داده‌های بدست آمده از پرسش نامه به وسیله نرم افزارSPSS و آزمون‌های ناپارامتری ویلکاکسون و مک‌نمار مورد تحلیل قرار گرفته است.

ناحیه صنعتی خورآباد واقع در استان قم، دهستان کهک و در نزدیکی روستای خورآباد می‌باشد. در حال حاضرتعداد 12 واحد صنعتی در آن به بهره‌برداری رسیده است که بیشتر این واحدها فعالیت خود را از سال 1370 آغاز نموده-اند.مساحت این ناحیه 3/6 هکتار است و تعداد 139 نفر در این ناحیه صنعتی اشتغال دارند. قسمت اعظم تولیدات در این ناحیه مربوط به فرآورده‌هایچوبی و فلزی می‌باشد.از مهم‌ترین مزایای این ناحیه علاوه بر برخورداری از امکاناتی نظیر آب، برق و سیستم روشنایی، نزدیکی به شهر کهک و قم می‌باشد.

4) یافته‌های تحقیق

ساختار سنی

از مجموع 50 نفر جامعه آماری مورد مطالعه، حداقل سن پرسش شوندگان 19 سال و حداکثر 62 سال بوده است. میانگین سنی نیز برابر با 38 سال بوده است و لذا می‌توان ساختار سنی جامعه آماری مورد بررسی را جوان عنوان کرد.

ساختار تحصیلی

همانگونه که در جدول 1 مشاهده می‌شود 40 % از جامعه آماری دارای تحصیلات ابتدایی، 16 % فاقد سواد، 14درصد راهنمایی و 30درصد نیز متوسطه و بالاتر هستند.

جدول (1) : ساختار تحصیلی در میان جامعه آماری

مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
فاقد سواد	8	16
ابتدایی	20	40
راهنمایی	7	14
متوسطه تا دیپلم	11	22
فوق دیپلم	3	6
لیسانس و بالاتر	1	2
جمع	42	100

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نوع استخدام

بررسی نوع استخدام جامعه مورد مطالعه نشان می دهد که 34 نفر معادل 68 درصد به صورت روزمزد، 13 نفر معادل 26 درصد به صورت قراردادی و 3 نفر معادل 6 درصد به صورت رسمی در هر یک از واحدهای صنعتی فعالیت دارند.

مهارت فنی

همانگونه که جدول 2 نشان می‌دهد تنها 3 نفر معادل 6 % در طبقه کارگران ماهر قرار دارند و 47 نفر مابقی در رده کارگران ساده و نیمه ماهر هستند (جدول 2).

جدول (2) : مهارت فنی و حرفه ای در جامعه آماری

رده شغلی	فراوانی	درصد فراوانی
ساده	31	62
نیمه ماهر	16	32
ماهر	3	6
جمع کل	50	100

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

سابقه فعالیت اقتصادی

بر اساس نتایج بدست آمده از پرسشنامه 38 درصد (معادل 19نفر) از جامعه آماری قبل از اشغال در ناحیه صنعتی کشاورز و دامدار بوده اند که 24 درصد از این تعداد همچنان در کنار اشتغال در ناحیه صنعتی به صورت جانبی در بخش کشاورزی فعالیت دارند. 28 درصد (معادل 14 نفر) نیز تا قبل از اشتغال در ناحیه صنعتی در بخش صنعت اشتغال داشته‌اند که مهم ترین محل فعالیت آنها ناحیه صنعتی سیرو بوده است که در فاصله 8 کیلومتری از ناحیه صنعتی خورآباد قرار دارد. 8 درصد (معادل 4 نفر) نیز در بخش خدمات بوده و 26 درصد (معادل 13 نفر) نیز بیکار بوده اند (شکل 1).

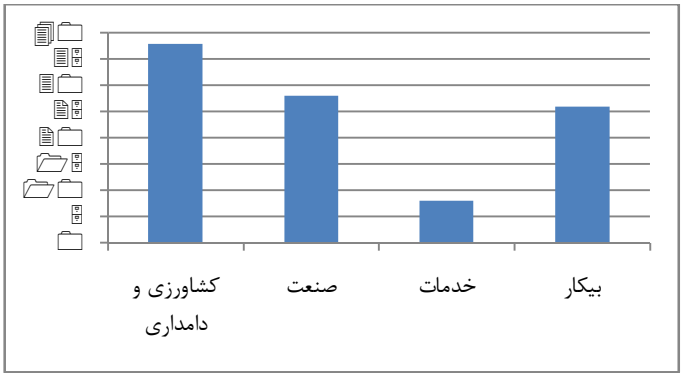

شکل (1) : سابقه فعالیت اقتصادی در میان جامعه آماری(درصد)

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

اشتغال

استقرار صنعت در قالب نواحی صنعتی در مناطق روستایی می‌تواند منجر به ایجاد زمینه‌های مناسب در جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و در بلند مدت به مدد فعالیت های مستمر و مکمل، موجب پایداری توسعه در مناطق روستایی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شود (طاهرخانی، 1380: 38). یافته‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که احداث ناحیه صنعتی علاوه بر این که منجر به تنوع اشتغال شده است، نرخ اشتغال و میزان درآمد شاغلین نیز افزایش یافته است. بدین منظور از آزمون ویلکاکسون استفاده شده است که تفاوت معناداری را در سطح 0/01 یعنی قبل و بعد از اشتغال نشان می‌دهد. به واسطه افزایش درآمد و نرخ اشتغال شاخص‌های دیگر همچون میزان رضایت و امنیت شغلی نیز افزایش یافته است (جدول 3).

جدول (3) : آزمون شاخص‌های اقتصادی در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی

شاخص‌ها	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
افزایش درآمد	29	0	21	- 5 /19	* 0/000
نرخ اشتغال	27	1	22	- 4/725	* 0/000
تنوع اشتغال	41	0	9	- 6/247	* 0/000
امنیت شغلی	42	0	8	- 6/326	* 0/000
رضایت شغلی	48	0	2	- 6/784	* 0/000

* معناداری در سطح 0/01 ** معناداری در سطح 0/05

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

تغذیه

بهبود تغذیه از طرفی بیانگر افزایش سطح رفاه در میان روستاییان است و از سوی دیگر مؤید افزایش درآمد آنهاست. همانگونه که جدول 4 نشان می‌دهد تفاوت معناداری در سطح 0/01 در مصرف گوشت قرمز، مرغ و کنسرو وجود دارد. اما در ارتباط با مصرف لبنیات و حبوبات تفاوت در سطح معناداری 0/05 است. مصرف ماهی نیز تفاوت معناداری در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی نشان نمی‌دهد. عدم وجود تفاوت معنادار و یا معناداری کمتر در برخی از شاخص‌ها بیشتر به دلیل ذائقه‌ی خاص روستاییان است که با وجود استطاعت مالی، از برخی مواد غذایی کمتر استفاده می‌کنند. در خصوص استفاده از ماهی و حبوبات نیز وضعیت به همین گونه است. از سوی دیگر اکثر کارگران چه قبل و چه بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی تعدادی دام نگهداری می‌کنند که بیشتر برای تأمین نیازهای خویش می‌باشد به همین علت در ارتباط با مصرف لبنیات تفاوت معناداری در سطح 0/05 است (جدول 4).

جدول (4) : آزمون شاخص استفاده از مواد غذایی در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی

شاخص	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
گوشت قرمز	28	2	20	- 4/564	* 0/000
مرغ	38	0	12	- 6/002	* 0/000
ماهی	5	1	44	- 1/081	0/279
لبنیات	4	0	46	- 2/000	** 0/046
انواع کنسرو	15	4	31	- 3/771	* 0/000
حبوبات	12	3	35	- 2/057	** 0/040

* معناداری در سطح 0/01 ** معناداری در سطح 0/05

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مشارکت

از دیگر پیامدهای استقرار صنعت در سکونتگاههای روستایی افزایش نسبی سطح رفاه است که در ابعاد مختلفی چون ایجاد انگیزه برای مشارکت‌های مردمی نمایان می‌شود و به صورت مشارکت مالی، یدی و مشورتی تجلی می‌یابد (رضوانی، 1389، 11)

در زمینه مشارکت یدی سطح معناداری برابر با 0/855 و مشارکت مشورتی نیز 0/635 بوده است و تفاوت معناداری در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی مشاهده نمی‌شود. اما در خصوص مشارکت مالی سطح معناداری، کمتر از 0/01 است و تفاوت معناداری وجود دارد که می‌توان آن را مرتبط با افزایش درآمد روستاییان دانست که زمینه را برای مشارکت مالی بیشتر آنان فراهم آورده است (جدول 5).

جدول (5) : آزمون شاخص مشارکت در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی

نوع مشارکت	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
یدی	14	6	20	- 0/183	0/855
مشورتی	22	18	10	- 0/474	0/635
مالی	44	0	6	- 6/782	* 0/000

* معناداری در سطح 0/01 ** معناداری در سطح 0/05

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

برخورداری از بیمه

میزان بهره‌مندی از بیمه در میان جامعه آماری با آزمون مک نمار سنجیده شده است و همانگونه که در جدول 6 مشاهده می‌شود تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. قبل از اشتغال در ناحیه صنعتی 11 نفر از بیمه بهره‌مند بوده‌اند که این رقم به 44 نفر در بعد از اشتغال افزایش یافته است (جدول 6).

جدول (6) : آزمون شاخص بهره‌مندی از بیمه در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی

شاخص	بوده‌ام	نبوده‌ام	سطح معناداری
بهره مندی از بیمه قبل از اشتغال در ناحیه صنعتی	11	39	* 0/000
بهره مندی از بیمه بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی	44	6	

* معناداری در سطح 0/01 ** معناداری در سطح 0/05

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

مسکن

مساکن روستایی تجلی نیروها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آنهاست (سعیدی، 1384، 75) و از دیرباز به عنوان اصلی-ترین و اساسی‌ترین نیاز گروه‌های انسانی مطرح بوده است (قدیری معصوم، 1390، 75). بر این اساس نوع مالکیت و کیفیت ابنیه در میان جامعه آماری در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی سنجیده شده است.

بررسی صورت گرفته در خصوص وضعیت مالکیت مساکن حاکی از آن است که 29 نفر از جامعه آماری مورد بررسی تا قبل از اشتغال در ناحیه صنعتی دارای مسکن شخصی بوده‌اند و این رقم بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی به 32 نفر افزایش پیدا کرده است. برای تعیین سطح معناداری نیز از شاخص مک نمار استفاده شده است و همانگونه که جدول 7

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نشان می‌دهد، اختلاف معناداری در خصوص مالکیت مساکن در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی وجود ندارد (جدول 7).

جدول (7) : آزمون شاخص مالکیت مسکن در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی

شاخص	بله	خیر	سطح معناداری
مالکیت خصوصی مسکن قبل از اشتغال در ناحیه صنعتی	29	21	0/250
مالکیت خصوصی مسکن بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی	32	18	

* معناداری در سطح 0/01 ** معناداری در سطح 0/05

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

کیفیت واحدهای مسکونی در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی، تفاوت معناداری را در سطح 0/05 نشان می‌دهد، اما در مورد میزان رضایت از واحدهای مسکونی (با توجه به این که سطح معناداری بالاتر از 0/01 است) تفاوت معنادار نمی‌باشد (جدول 8).

جدول (8) : آزمون شاخص کیفیت ابنیه و رضایت از مسکن در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی

شاخص	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
کیفیت ابنیه	4	0	46	- 2/000	**0/046
میزان رضایت از مسکن	16	16	18	0/000	1/000

* معناداری در سطح 0/01 ** معناداری در سطح 0/05

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی ضمن دارا بودن ابعاد عینی و وابستگی به شرایط بیرونی، برخوردار از وجه ذهنی و درونی قوی است و در نهایت به تصورات و ادراکات فرد از واقعیت‌های زندگی بستگی دارد (کرمانی و دیگران، 1387، 192). برای تعیین کیفیت زندگی از چهار شاخص وضعیت جسمانی، قدرت بدنی، وضعیت روحی و روانی و لذت از زندگی استفاده شده است. شاخص وضعیت جسمانی تفاوت معناداری را نسبت به قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی نشان نمی‌دهد اما در مورد سایر متغیرها تفاوت معنادار است (جدول 9).

جدول (9) : آزمون شاخص های کیفیت زندگی در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی

شاخص	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
وضعیت جسمانی	11	23	16	- 1/886	0/059
قدرت بدنی	7	28	15	- 3/381	* 0/001
وضعیت روحی و روانی	35	6	9	- 4/373	* 0/000
لذت از زندگی	32	6	12	- 4/056	* 0/000

* معناداری در سطح 0/01 ** معناداری در سطح 0/05

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

تمایل به ماندگاری در روستا

از جمله مهمترین اهداف ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی افزایش ماندگاری جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرهاست (مطیعی لنگرودی، 1385: 159). بررسی‌های صورت گرفته بیانگر وجود

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تفاوت معناداری در سطح 0/05 در تمایل به ماندگاری در روستا در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی است (جدول 10).

جدول (10) : آزمون شاخص تمایل به ماندگاری در روستا در قبل و بعد از اشتغال در ناحیه صنعتی

شاخص	رتبه منفی	رتبه مثبت	رتبه برابر	میزان Z	سطح معناداری
تمایل به ماندگاری در روستا	11	1	38	2/324	** 0/020

* معناداری در سطح 0/01 ** معناداری در سطح 0/05

مأخذ: یافته‌های تحقیق، 1390.

5) نتیجه‌گیری

بیکاری، درآمد پائین، مهاجرت روستاییان محدودیت منابع آب و خاک و فشار روز افزون بر زمین‌های زراعی و مسائلی از این قبیل از معضلاتی است که بسیاری از روستاهای کشور با آن روبرو هستند. لذا در این وضعیت گسترش صنایع در مناطق روستایی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه بسیاری از آنها را فراهم آورد. صنایع روستایی با تغییر در ساختارهای کهن مناطق روستایی و ایجاد ساختارها و کارکردهای جدید،موجب خروج آنها از انزوای جغرافیایی می‌شود ونقش مؤثری در توسعه روستاها دارد.

نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که احداث ناحیه صنعتی منجر به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان شده است که به واسطه آن‌ها شاخص‌های دیگر مانند میزان رضایت و امنیت شغلی،کیفیت زندگی، بهره‌مندی از بیمه و تغذیه بهبود یافته است. اما اشتغال در ناحیه صنعتی نتوانسته است آنچنان که بایدانگیزه آنها را برای ماندگاری در روستا بیشتر کند. به همین علتمشارکت روستاییان در امور روستا افزایش چندانی نداشته است و همچنین روستاییان درآمدهای خود را صرف خرید و یا بازسازی و نوسازی مساکن خود نکرده‌اند. به عبارت دیگر روستاییان به دلیل عدم وجود حس تعلق به روستا در امور روستا مشارکت چندانی نداشته و همچنین با توجه به اینکه اکثر آنها متمایل به مهاجرت از روستا هستند، درآمدهای خود را در مساکن روستایی صرف نمی‌کنند.

از مجموع کل کارکنان ناحیه صنعتی، تنها 35 درصد را روستاییان تشکیل می‌دهند و به عبارتی قسمت اعظم کارکنان از شهرهای قم و کهک هستند. از سوی دیگر بیشتر این کارکنان به عنوان کارگر ساده و به صورت روزمزد فعالیت می‌کنند. همچنین واحدهای صنعتی مستقر در ناحیه صنعتی به دلیل عدم سنخیت با کشاورزی منطقه نتوانسته است زمینه رشد کارکنان را فراهم آورد. لذا با توجه به مطالب بیان گردیده پیشنهادات زیر ارائه می شود:

- ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی و تبدیلی در ناحیه صنعتی که وابسته به کشاورزی و دامداری روستاهای پیرامونی باشند تا از این طریق از این فعالیت‌ها حمایت شود.
- تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاران، به سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی از طریق پرداخت تسهیلات و فراهم نمودن امکانات و خدمات رفاهی در ناحیه صنعتی و روستاهای نزدیک به ناحیه صنعتی.
- تأمین نیروی کار ماهر واحدهای صنعتی از طریق جذب متخصصان و کارشناسان موجود در روستاها با کمک‌های تشویقی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای روستاییان برای تأمین نیروی کار ماهر.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- فرهنگ‌سازی و فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای جلب مشارکت روستاییان از جمله با ایجاد شرکت‌های تعاونی که می‌تواند جاذب مشارکت روستاییان از طریق سرمایه‌گذاری آنها در واحدهای صنعتی باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

6) منابع

- افتخاری، عبدالرضارکن الدین، مهدی طاهرخانی،(1381)، **استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی**، فصلنامه مدرس، دوره 6، شماره 2، ص 23-1.
- حاجی‌نژاد، علی و علی عسگری، (1385)،**بهره‌وری صنایع روستایی در استان سیستان و بلوچستان**، مجله جغرافیا و توسعه، شماره 8، زاهدان، صص 42-19.
- رضوانی، محمدرضا، (1390)،**مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**،انتشارات قومس، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، مهدی رمضانزاده و مرتضی محمدپور جابری، (1389)، **تحلیل اثرات اقتصادی - اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه‌ی نواحی روستایی مورد: ناحیه صنعتی سلیمان آباد تنکابن**، فصلنامه روستا و توسعه، شماره 18، صص 26-5.
- طاهرخانی، مهدی،(1380)،**نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی**، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 40، صص 33-26.
- سعیدی، عباس، (1384)،**مبانی جغرافیای روستایی**، انتشارات سمت، تهران.
- صحراییان، سید مهدی، (1379)، **اقتصاد ایران، سازماندهی صنایع کوچک، طرحی در بازسازی اقتصاد ایران**، انتشارات معارف، قم.
- قدیری معصوم، مجتبی و آئیژ عزمی، (1389)، **تحلیل اشتغال روستایی و بررسی عوامل موثر در آن**، مجله چشم انداز جغرافیایی، سال چهارم، شماره 10، صص 120-101.
- قدیری معصوم، مجتبی و محمد اکبرپور سراسکانرود، (1390)، **تحلیل نقش دولت از ساخت مساکن روستایی در برنامه های توسعه (مطالعه موردی: برنامه‌ی چهارم توسعه کشور)**، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره 34، صص 101-74.
- کرمانی، مهدی، حسین بهروان و مصطفی ازکیا، (1387)، **بررسی تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شیوه زندگی روستاییان به واسطه استقرار صنعت در مناطق روستایی نمونه مورد مطالعه: مجتمع صنعتی معدنی مس قلعه زری**، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجم، شماره 2،صص 214-179.
- مشیری، سیدرحیم و نسرین آذرباد، (1386)،**پیامدهای استقرار نواحی صنعتی در مناطق روستایی**، فصلنامه روستا و توسعه، شماره 3، صص 194-181.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن و علی اکبر نجفی کانی، (1385)، **بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، نمونه موردی: شهرستان بابل**، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 58، صص 167-145.
- Das, K., (2009), **Broad – Basing Rural Industrialisation in India: Approaches and Challenges**, Collaborative Research Project on Systems of Innovation for Inclusive Development: Lessons from Rural China and India, University of Malaya.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Das, R., & K. Das Ashim, (2011), **Industrial Cluster: An Approach for Rural Development in North East India**, International Journal of Trade, Economics and Finance, Vol. 2, No. 2, pp. 161-165.
- Dutta, Subrata, (2004), **Rural Industrial entrepreneurship, The Case of Bardhaman District in West Bengal**, Wageningen University.
- Hwa, Erh-Cheng, (1989), **The Contribution of Agriculture to Economic Growth: Some Empirical Evidence**, In The Balance between Industry and Agriculture in Economic Development, Vol. 2, eds. J.G. Williamson and V.R. Panchamukhi; New York: St. Martin's Press in association with the International Economic Association.
- Kumar, S., (2005), **Rural Development through Rural Industrialization: Exploring the Chinese Experience**.
- Maran, K., (2007), **Problemes of Rural Labor: Issue and Challenges**, Cuddalore, Pallavan Book publishing Company Itd.
- Sundar. K., (2009), **Rural Industrialisation: Challenges and Proposition**, Commerce Wing DDE, Annamalai University, Tamil Nadu, India.
- Walker, T.S.& J.G. Ryan, (2007), **Village and Household Economies in India's Semi-Arid Tropics**, Johns Hopkins University Press, Baltimore.
- Wang, X., (2001), **Practicum report rural industrialization in china**, Saint Marys University.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]